

انکار غدیر و حقیقت آن، اشتراک و هابیت، اهل سنت و احمد بصري

بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جریان های بسیاری راه اندازی شد و فرقه ها و گروه های مختلف قد علم کرده و هر کدام مدعی اسلام حقیقی شدند، به راستی حق و حقیقت چیست؟ و از کجا می توان اسلام حقیقی و ناب را از بقیه جدا کرد و شناخت.

آیا رسول خدا برای رهبری جامعه اسلامی بعد از رحلت خویش فکری نکرده است؟ آیا رسول اکرم بعد از تحمل این همه سختی و مشقت امت را بدون تعیین تکلیف رها کردند؟

برای یک انسان دارای خرد چنین عملی از یک انسان عادی هم دور از حکمت و عقل است، چه برسد به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم .

به تاریخ رجوع کردیم و در روایت های مختلف دیدیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاراتی به رهبری و خلافت بعد از خویش داشته اند تا اینکه رسیدیم به غدیر، آری غدیر، تاریخ را ورق زدیم و خواندیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چگونه در غدیر راه بر مدعیان دروغین بست و چگونه آنان را رسوا نمود.

آري غدیر خط بطلاني است بر جریان سازي هاي بعد از شهادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از خلیفه تراشي در سقیفه گرفته تا سلطنت طلبي بني امیه و بني عباس و فرقه سازي هاي تا قبل از ظهور آخرین حجت خدا.

از آنجاي که غدیر جبهه مخالف هر خلیفه تراشي و فرقه سازي مي باشد، پس باید این دستگاها و جریان ها دشمني خاصي با غدیر داشته باشند و اتفاقا بعد از تحقيقي کوتاه متوجه شدیم که یکی از اشتراکات اهل سنت و وهابیت و فرقه هاي دروغین به مانند فرقه احمد بصري دشمني و مقابله با غدیر مي باشد.

وهابیت و ابن تیمیه اصل غدیر را انکار کردند، اما اهل سنت و احمد بصري راه دیگری در پیش گرفتند و به جاي انکار اصل غدیر، تحریف غدیر را در دستور کار قرار دادند.

اهل سنت مدعي شدند غدیر چیزی فراتر از بیان دوستي و محبت حضرت علي علیه السلام نبوده است و احمد بصري هم مدعي شد که آنچه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر مطرح کردند تمام و کمال دین نبوده است و ایشان مسئله اي مهمي که همان امامت احمد بصري بوده است را فراموش کرده و یا به دليلي بیان نکردند و ادعای اکمال دین در غدیر دروغ است.

نزول آیه اکمال بعد از معرفي ائمه اثني عشر و حصر امامت در دوزاده نفر

برای اینکه بدانیم در غدیر چه اتفاقی افتاده است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه مواردی را بیان فرمودند به نقل چند روایت اکتفاء می کنیم.

شیخ صدوق روایتی را از لسان مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که در این روایت حضرت فضائل خودش را در بین صحابه مطرح کرد و از جمله این فضائل نقل جریان غدیر می باشد.

حضرت تصریح می فرماید که در روز غدیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امامت وی و یازده امام بعد ایشان را مطرح فرمودند و در این روز بود که آیه اکمال نازل شد و دین تکمیل گردید.

شیخ صدوق چنین نقل می کند:

...قال : قم یا علی فقلت ، فقال : من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه ، فقام سلمان

الفارسي رضي الله عنه فقال : يا رسول الله ولاؤه كما ذا ؟ فقال عليه السلام ولاؤه كولائي (٦) من كنت أولى

به من نفسه فعلي أولى به من نفسه ، فأنزل الله تبارك وتعالى " اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم

نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا " (١) فكبر رسول الله صلى الله عليه وآله وقال : الله أكبر بتمام النعمة وكمال

نبوتي ودين الله عز وجل وولاية علي بعدي (٢) ، فقام أبو بكر وعمر فقالا : يا رسول الله هذه الآيات خاصة

لعلي ؟ قال : بلى فيه وفي أوصيائي إلى يوم القيامة ، قالا : يا رسول الله بينهم لنا ، قال : علي وأخي ووزيري

ووارثي ووصيي وخليفتي في أمتي وولي كل مؤمن بعدي ، ثم ابني الحسن ، ثم ابني الحسين ، ثم تسعة من ولد الحسين واحد بعد واحد ، القرآن معهم وهم مع القرآن لا يفارقونه ولا يفارقهم حتى يردوا علي حوضي... فقام عمر بن الخطاب وهو شبه المغضب فقال : يا رسول الله أكل أهل بيتك ؟ فقال : " لا ولكن أوصيائي منهم أولهم أخي ووزير ووارثي وخليفتي في أمتي وولي كل مؤمن من بعدي ، هو أولهم ، ثم ابني الحسن ، ثم ابني الحسين ، ثم تسعة من ولد الحسين واحد بعد واحد حتى يردوا علي الحوض...

پیامبر فرمود: ای علی برخیز و من برخاستم، فرمود هر که من مولای او هستم علی مولای اوست، خدایا دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن دار، بعد از آن سلمان فارسی برخاست و گفت: ای رسول خدا! ولای او مانند کیست؟ فرمود: ولای او مانند ولایت من است، هر که بر او ولای هستم علی نیز بر او ولای است و پس از آن خدای تعالی این آیه را نازل فرمود: (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا) و رسول خدا ص تکبیر گفت و فرمود: الله اکبر بر تمامت نعمت و کمال نبوتم و دین خدای عزوجل و ولایت علی پس از من ، آنگاه ابوبکر و عمر برخاستند و گفتند ای رسول خدا ! آیا این آیات خاص علی است؟ فرمود: آری درباره او و اوصیای من تا روز قیامت است، گفتند ای رسول خدا! آنان را برای ما بیان کن ، فرمود: علی برادر و وزیر و وارث و وصی و جانشین من در امتم و ولی هر مومنی پس از من است،

سپس فرزندم حسن، و سپس فرزندم حسین و سپس نه تن از فرزندان حسین که یکی پس از دیگری

بیایند....

کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق - ص ۲۷۶

در روایات دیگر هم امیرالمؤمنین علیه السلام تصریح میفرمایند که آیه اکمال در غدیر خم نازل شد و دین با معرفی ائمه اثنی عشر توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تکمیل و کامل گردید، چنانچه مرحوم نعمانی در کتاب الغیبه این روایت را اینگونه نقل کرده است:

۸ - ... أن معاوية لما دعا أبا الدرداء وأبا هريرة ونحن مع أمير المؤمنين علي صلوات الله عليه بصفين فحملهما الرسالة إلى أمير المؤمنين علي (عليه السلام) وأدياها إليه ، قال : قد بلغتماني ما أرسلكما به معاوية فاستمعا مني وأبلغاه عني كما بلغتماني . قالوا : نعم . فأجابه علي (عليه السلام) الجواب بطوله حتى إذا انتهى إلى ذكر نصب رسول الله (صلى الله عليه وآله) إياه بغدير خم بأمر الله تعالى ... فنصبني رسول الله بغدير خم وقال : إن الله عز وجل أرسلني برسالة ضاق بها صدري وظننت أن الناس يكذبوني ، فأوعدني لأبلغنها أو ليعذبني . قم يا علي ، ثم نادى بأعلى صوته بعد أن أمر أن ينادي بالصلاة جامعة ، فصلى بهم الظهر ، ثم قال : أيها الناس ، إن الله مولاي ، وأنا مولى المؤمنين ، وأنا أولى بهم منهم بأنفسهم ، من كنت مولاه فعلي مولاه ، اللهم وال من والاه ، وعاد من عاداه . فقام إليه سلمان الفارسي ، فقال : يا رسول الله ، ولاء ماذا ؟ فقال : من

كنت أولى به من نفسه فعلي أولى به من نفسه ، فأنزل الله عز وجل : (اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت

عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام دينا) (٢) فقال له سلمان : يا رسول الله ، أنزلت هذه الآيات في علي

؟ قال : بل فيه وفي أوصيائي (٣) إلى يوم القيامة . فقال : يا رسول الله ، بينهم لي . قال : علي اخي

ووصيي ، وصهري ، ووارثي ، وخليفتي في أمتي ، وولي كل مؤمن بعدي ، وأحد عشر إماما من ولدي ، أولهم

ابني حسن ، ثم ابني حسين ، ثم تسعة من ولد الحسين واحدا بعد واحد...وقام من الاثني عشر أربعة : أبو

الهيثم بن التيهان ، وأبو أيوب ، وعمار ، وخزيمة ابن ثابت ذو الشهادتين ، فقالوا : نشهد أنا قد حفظنا قول

رسول الله (صلى الله عليه وآله) ، إنه قال يومئذ والله إنه لقائم وعلي (عليه السلام) قائم إلى جنبه وهو يقول

: يا أيها الناس ، إن الله أمرني أن أنصب لكم إماما يكون وصيي فيكم ، وخليفتي في أهل بيتي وفي أمتي من

بعدي ، والذي فرض الله طاعته على المؤمنين في كتابه وأمركم فيه بولايته ، فقلت : يا رب ، خشيت طعن أهل

النفاق وتكذيبهم ، فأوعدني لأبلغنها أو ليعاقبني . أيها الناس ، إن الله عز وجل أمركم في كتابه بالصلاة ، وقد

بينتها لكم وسننتها لكم ، والزكاة والصوم فبينتهما ، وقد أمركم الله في كتابه بالولاية ، وإني أشهدكم - أيها

الناس - أنها خاصة لهذا ولأوصيائي من ولدي وولده ، أولهم ابني الحسن ، ثم الحسين ، ثم تسعة من ولد

الحسين ، لا يفارقون الكتاب حتى يردوا علي الحوض . يا أيها الناس ، إني قد أعلمتكم مفزعكم بعدي ،

وإمامكم ووليكم وهاديكم بعدي...

۸- مصنف بزرگوار از دو طریق سند و روایت را به جناب سلیم بن قیس هلالی می‌رساند و از ایشان نقل می‌کند که در زمانی که ما در معرکه صفین در رکاب و محضر امیرمؤمنان علیه السلام بودیم معاویه ابودرداء و ابوهریره را خواست و توسطشان نامه ای برای امام علیه السلام فرستاد، آن دو نفر نامه را به حضرت علیه السلام تسلیم کردند. امام علیه السلام به ایشان فرمودند: نامه و پیام معاویه را به من ابلاغ کن، حالا گوش کنید (توجه کنید) و پیام مرا همانگونه که به شما ابلاغ می‌کنم به معاویه ابلاغ کنید.

ابودرداء و ابوهریره عرض کردند: بله. پس امام علیه السلام جوابی طولانی به نامه معاویه دادند تا اینکه رسید به یادآوری ماجرای غدیر خم و اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را در آن روز به امر خداوند به جانشینی و خلافت پس از خودش منصوب فرمود و فرمودند: امام در ادامه فرمودند: پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم مرا (به امامت و ولایت و سرپرستی) منصوب کرده و فرمودند: همانا خداوند عزوجل رسالت و ماموریتی به من داده است.

و پس از آنکه دستور داد مردم را برای نماز جماعت جمع کردند و با مردم نماز ظهر را اقامه فرمود، با صدای بلند خطاب به مردم فرمودند: ای مردم! خداوند مولا و سرپرست من و من مولای مومنین هستم و من نسبت به جان ایشان از آنها سزاوارترم، هرکس من مولای او هستم پس علی مولای اوست، خداوندا! دوست بدار کسی را که دوستدار علی است و دشمن بدار کسی را که دشمن علی است. پس (در همین هنگام)

سلمان فارسي برخاسته و عرض کرد: يا رسول الله! چگونه ولايتي (يعني محدود و چگونگي اين ولايت چيست؟) پس حضرت فرمودند: هرکس که من نسبت به جان او بر او سزاوارترم (و اختيار جانش در دست

من است) علي هم نسبت به جان او بر او سزاوارتر است. پس خداوند اين آيه را نازل فرمود: « امروز دين

شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آيين جاودان شما پذيرفتم.»

باز سلمان فارسي عرضه داشت: يا رسول الله! آيا اين آيه فقط در شان و منزلت علي نازل شده است؟

حضرت فرمودند: بلکه در شان او و اوصيا و جانشينانم تا روز قيامت. عرضه داشت: يا رسول الله اوصيا و

جانشينان را برايم بيان بفرماييد.

حضرت فرمودند: علي! برادر وصي، داماد، وارث و جانشينم در ميان امتم و (او) بعد از من ولي هر مومني

است و يازده امام از فرزندانم، اولين ايشان فرزندم حسن سپس فرزندم حسين سپس نه نفر از فرزندان

حسين، يکي پس از ديگري... عرض کردم: پرودگارا، از طعن و تکذيب اهل نفاق بيمناکم. خداوند مرا تهديد

فرمود که يا حتما پيام او را ابلاغ کنم يا (اگر اين کار را انجام ندهم) مرا عقوبت مي فرمايد. اي مردم خداوند

عزوجل - در کتابش، شما را به (به پاداشتن) نماز دستور داده است و من آن را براي شما بيان کرده و پايه

گذاري کردم (روش به پا داشتن آن را به شما آموزش دادم)، همچنين زکات و روزه را براي شما بيان کردم و

به همين ترتيب در کتابش در مورد ولايت به شما دستور داده است. اي مردم! من شما را به گواهي مي

گیرم که ولایت مخصوص این مرد (علی علیه السلام) و جانشینان من از فرزندان من و فرزندان او خواهد

بود، اولین ایشان فرزندانم حسن، سپس حسین، سپس نه نفر از فرزندان حسین که از کتاب خدا جدا نمی

شوند تا اینکه در کنار حوض بر من وارد شوند. ای مردم! من پناهگاه، امام، ولی و هادی شما پس از خودم را

معرفی کردم

الغیبة - ابن أبي زینب النعماني - ص ۷۶

نکته قابل توجه در این دو روایت این است که امیرالمؤمنین علیه السلام در اثبات امامت خویش و یازده فرزندان و اینکه امامت حصر شده است در دوازده نفر به چند روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استدلال می کند و اسامی تک تک ائمه را در همین روایت بیان می فرماید و به این دلیل که بیان این مقاله فقط در باب جریان غدیر می باشد مقاطع دیگر این روایت را ذکر نکردیم.

ولایت آخرین فریضه نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و منکر آن کافر است

در روایتی دیگر تصریح شده است که اعلام ولایت ائمه اثنی عشر آخرین فریضه ای بود که از جانب خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و با این فریضه دین کامل گردید.

شیخ کلینی در کتاب کافی نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر امامت و ولایت را بیان کردند و این آخرین فریضه ای بود که از جانب خداوند نازل شد.

... ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَتَخَوَّفَ أَنْ يَزْتَدُوا عَنْ دِينِهِمْ وَأَنْ يُكَذِّبُوهُ فَضَاقَ
صَدْرُهُ وَرَاجَعَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ { يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ } فَصَدَعَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ فَقَامَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ
غَدِيرِ حُمْ فَتَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً وَأَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الغَائِبَ.

... أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَتِ الْفَرِيضَةُ تُنزَلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ الْأُخْرَى وَكَانَتِ الْوَلَايَةُ آخِرَ الْفَرَايِضِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ { الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي } قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا أُنزِلُ
عَلَيْكُمْ بَعْدَ هَذِهِ فَرِيضَةً قَدْ أَكْمَلْتُ لَكُمْ الْفَرَايِضَ.

...هنگامی که این دستور از طرف خدا ابلاغ شد، دل پیامبر تپید و نگران شده که مردم از دین خداوند
بازگردند و او را تکذیب کنند. ایشان دل تنگ شده و به خداوند عز و جل رجوع کردند، خدا به ایشان وحی
کرد: « ای پیامبر ، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، ابلاغ کن ؛ و اگر نکنی پیامش را
نرسانده‌ای . و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد . آری ، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند». رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر خدای تعالی را اعلام کرد و در روز غدیر حُم برای ابلاغ ولایت علی علیه
السلام اقدام کرد. مردم را به نماز جماعت دعوت کرد و ولایت علی علیه السلام را به مردم ابلاغ کرد تا
حاضران به غائبان برسانند...

امام باقر علیه السلام فرمودند: فریضه‌ها و واجبات یکی پس از دیگری نازل می‌شدند، اما ولایت آخرین

فریضه‌ای بود که خداوند عز و جل آن را واجب کرده و در قرآن در باره آن فرموده:

«امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم ، و اسلام را برای شما [به عنوان]

آیینی برگزیدم » امام فرمودند: خدای عز و جل می‌فرماید: پس از ولایت فریضه دیگری برای شما نازل

نمی‌کنم، من فرائض شما را کامل کردم.

الكافي، ج ۱، ص ۲۸۹

هر چند برای بحث با جریان احمد بصري نیازی به بحث سندی نیست زیرا احمد و اتباع وی مدعی هستند

تمام روایات صحیح می‌باشد و حتی یک روایت ضعیف هم وجود ندارد، ولی از باب رفع هرگونه ایراد و بهانه

باید بگویم این روایات با سندهای کثیر و معتبر وارد شده است و بزرگان شیعه هم این روایت‌ها را معتبر

داسنته و تصحیح سند نمودند، که به طور مثال همین روایت را علامه مجلسی معتبر می‌داند و در ذیل این

روایت بیان می‌فرمایند:

الحديث الرابع: حسن.

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول ؛ ج ۳ ؛ ص ۲۵۰.

در روایتی دیگر به همین مضمون امام رضا علیه السلام می فرمایند دین در غدیر کامل شد و بعد از این جریان که همان اعلام ولایت و امامت ائمه اثنی عشر بود دیگر هیچ امر جدیدی که مورد احتیاج امت باشد باقی نمانده است و منکر این مطلب و اکمال دین در غدیر کافر است، زیرا منکر قرآن شده است، چنانچه مرحوم کلینی این روایت را از امام رضا علیه السلام چنین نقل کرده است:

۱ - أبو محمد القاسم بن العلاء - رحمه الله - رفعه ، عن عبد العزيز بن مسلم قال : كنا مع الرضا عليه السلام بمرور فاجتمعنا في الجامع يوم الجمعة في بدء مقدمنا فأداروا أمر الإمامة وذكروا كثرة اختلاف الناس فيها ، فدخلت على سيدي عليه السلام فأعلمته خوض الناس فيه ، فتبسم عليه السلام ثم قال : يا عبد العزيز جهل القوم وخذعوا عن آرائهم ، إن الله عز وجل لم يقبض نبيه صلى الله عليه وآله حتى أكمل له الدين وأنزل عليه القرآن فيه تبيان كل شيء ، بين فيه الحلال والحرام ، والحدود والأحكام ، وجميع ما يحتاج إليه الناس كملا ، فقال عز وجل : " ما فرطنا في الكتاب من شيء (١) " وأنزل في حجة الوداع وهي آخر عمره صلى الله عليه وآله : " اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا (٢) " وأمر الإمامة من تمام الدين ، ولم يمض صلى الله عليه وآله حتى بين لامته معالم دينهم وأوضح لهم سبيلهم وتركهم على قصد سبيل الحق ، وأقام لهم عليا عليه السلام علما وإماما وما ترك [لهم] شيئا يحتاج إليه الأمة إلا بينه ، فمن زعم أن الله عز وجل لم يكمل دينه فقد رد كتاب الله ، ومن رد كتاب الله فهو كافر به

۱ - عبد العزیز بن مسلم گوید : ما در ایام حضرت رضا در مرو بودیم ، در آغاز ورود ، روز جمعه در مسجد جامع انجمن کردیم ، (۱) حضار مسجد موضوع امامت را مورد بحث قرار داده و اختلاف بسیار مردم را در آن زمینه بازگو میکردند ، من خدمت آقا رفتم و گفتگوی مردم را در بحث امامت بعرضش رسانیدم حضرت (ع) لبخندی زد و فرمود : ای عبد العزیز این مردم نفهمیدند و از آراء صحیح خود فریب خورده و غافل گشتند . همانا خدای عز و جل پیغمبر خویش را قبض روح نفرمود تا دین را برایش کامل کرد و قرآن را بر او نازل فرمود که بیان هر چیز در اوست حلال و حرام و حدود و احکام و تمام احتیاجات مردم را در قرآن بیان کرده و فرمود (۳۸ سوره آ ۶) « چیزی در این کتاب فرو گذار نکردیم » و در حجة الوداع که سال آخر عمر پیغمبر (ص) بود این آیه نازل فرمود (۳ سوره ۵) « امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما پسندیدم » و موضوع امامت از کمال دین است (تا پیغمبر) (ص) جانشین خود را معرفی نکند تبلیغش را کامل نساخته است) و پیغمبر (ص) از دنیا نرفت تا آنکه نشانه های دین را برای امتش بیان کرد و راه ایشان را روشن ساخت و آنها را بر شاهراه حق واداشت و علی (ع) را بعنوان پیشوا و امام منصوب کرد و همه احتیاجات امت را بیان کرد پس هر که گمان کند خدای عز و جل دینش را کامل نکرده قرآن را رد کرده و هر که قرآن را رد کند بآن کافر است .

الكافي - الشيخ الكليني - ج ۱ ص ۱۹۹

معرفي حضرت مهدي(عج) به عنوان آخرين حجت خدا در غدیر

يکي ديگر از مطالبی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر به آن اشاره فرمودند و با این سخن مدعیان دروغین به مانند احمد بصري را رسوا فرمودند اعلام پایان حجت های الهی با وجود حضرت مهدي می باشد، چنانچه مرحوم طبرسي در کتاب احتجاج از لسان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده است

معاشر الناس الا واني منذر ، وعلي هاد .معاشر الناس اني نبي ، وعلي وصي ، الا ان خاتم الأئمة منا القائم المهدي (صلوات الله عليه)...الا انه الباقي حجة ولا حجة بعده...

هان اي مردمان: همانا من نبي هستم و علي وصي من است هشدار باد بر شما که همانا پايان بخش امامان از ما قائم المهدي است .. بدانيد که او حجت باقي مانده اوست و بعد از او حجتی نخواهد بود

الاحتجاج - الشيخ الطبرسي - ج ۱ ص ۸۰

نتیجه گیری این قسمت:

۱- آیه اکمال در روز غدیر و بعد از معرفي ائمه اثني عشر نازل شد و دین کامل گردید.

۲- بعد از اکمال دین در غدیر و معرفي ائمه اثني عشر ديگر هيچ فريضه جديدي نازل نشده و منکر این مسئله کافر است زیرا منکر قرآن شده است.

۳- ائمه و حجت هاي بعد از پيامبر صلی الله عليه و آله و سلم ائمه اثني عشر هستند و حصر شدند به دوازده نفر.

با توجه به اين روايات ثابت مي شود که دين با ولايت ائمه اثني عشر در غدیر کامل شد و پيامبر صلی الله عليه و آله و سلم تصريح فرمودند که ائمه و حجت هاي خداوند تا روز قيامت در ائمه اثني عشر حصر شده است و با امامت حضرت مهدي(عج) پايان مي پذيرد.

اين روايات در منابع شيعه به حد تواتر مي رسد و امامت در ائمه اثني عشر حصر و خلاصه مي شود و عقیده خلاف اين باطل و انحراف از دين است، تا جاي که امام صادق عليه السلام تصريح مي فرمايند هر کس يکي از ائمه را کم يا زياد کند کافر است چنانچه شيخ مفيد از حضرت اينگونه نقل مي کند:

کم يا زياد کردن ائمه کفر است

قال أبو عبد الله عليه السلام : الأئمة بعد نبينا صلی الله عليه وآله اثنا عشر نجباء مفهمون ، من نقص منهم واحدا " [أ] وزاد فيهم واحدا " خرج من دين الله ولم يكن من ولايتنا على شيء.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند : پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دوازده نفر امام وجود دارد که همه از برگزیدگان و دانش عطا شدگان میباشند هر کس یکی از آنها را کم کند و یا یکی بر آنان اضافه نماید از دین خدا خارج شده و از ولایت ما بهره ای نبرده است .

الاختصاص - الشيخ المفید - ص ۲۳۳...

احمد بصري و انکار اکمال دین در غدیر و حصر ائمه

احمد: اکمال دین با معرفی ائمه و دوازده مهدی بعد از آنان به عنوان امام و حجت های الهی

مدعی شدیم که احمد بصري به مانند وهابیت و اهل سنت غدیر را جبهه مخالف خویش می داند و به مانند اهل سنت غدیر را تحریف و حقیقت آن را انکار کرده است.

وی مدعی می شود که اکمال دین در غدیر با معرفی ائمه اثني عشر صحیح نیست و دین کامل نشده است، بلکه اکمال دین با امامت وی و یازده فرزند وی کامل می شود، چنانچه در چند کتاب وی و این جریان چنین

آمده است

با روایت های متواتر و متون غیر قابل انکار ثابت می شود که حجت های خدا پس از نبی اکرم دوازده امام علیه السلام و پس از آنها دوازده مهدی می باشند و هیچ حجت معصوم خداوندی غیر از آنها وجود ندارد توسط آنها نعمت تمام می شود دین کامل می گردد و رسالت های آسمانی پایان می یابد

پاسخ های روشنگر بر بستر امواج احمد الحسن ج ۳ ص ۱۲۴...

و در کتاب دیگرش چنین ادعا می کند:

یمانی از حجت های خداوند سبحان در زمان و معصوم به نص امام است و با روایات متعدد و نصوص غیر قابل انکار ثابت می شود که حجج خدا پس از نبی اکرم ص ۱۲ امام و ۱۲ مهدی است حجت معصوم خدا غیر از آنان نیست و به وسیله آنان نعمت تمام می شود و دین کامل می گردد و ختم رسالت های آسمان با آنانست

متشابهات احمد الحسن ج ۴ ص ۳۵...

در این دو متن احمد مدعی می شود که اتمام نعمت و اکمال دین با امامت وی و فرزندان او به عنوان مهدیین بعد از امام زمان علیه السلام صحیح می باشد و بدون وی و امامت فرزندان او دین کامل نشده است.

احمد: مهدیین وحی جدید در شب رحلت پیامبر

احمد بصري براي ادعای امامت خویش به روایت جعلی و ضعیفی در کتاب الغیبه شیخ طوسی که در جای خود ادله های فراوانی برای جعلی بودن این روایت که از جمله آنها ضعف سندی اعم از وجود راوی مجهول و سنی و کذاب در سند حدیث و اضطراب در متن و همچنین تعارض با روایت متواتر حصر ائمه در دوازده نفر و صدها اشکال دیگر ارائه خواهیم کرد، چنین استدلال میکند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شبی که از دنیا رحلت فرمودند در وصیتی اعلام نمودند که بعد از ائمه اثنی عشر دوازده مهدی دیگر می آیند که احمد مدعی است اولین مهدی وی می باشد و یازده مهدی دیگر از فرزندان وی هستند که همه آنان مقام امامت را دارا بوده و از حجت های الهی می باشند، لذا عقیده به امامت دوازده امام صحیح نیست بلکه اعتقاد صحیح این است که ائمه بیست و چهار نفر می باشند.

در پی همین ادعا، احمد مدعی می شود که خداوند در آخرین لحظات عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر جدیدی بر ایشان نازل فرموده است که در غدیر مطرح نشده بود و البته منظور احمد از این امر جدید همین روایت وصیت جعلی مورد ادعای احمد است

آیا مضمون وصیت از قبل معلوم بوده است؟

برخی از کسانی که به ناروا ادعای علم می کنند بر این پندارند که نیازی نبوده حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام احتضار وصیتی بنماید و به عنوان مثال حدیث ثقلین یا غدیر از نوشتن چنین وصیتی کفایت می کرده است از سوی دیگر چون مضمون این وصیت از قبل مشخص بوده است لذا نیازی نبوده که آن حضرت خود را با نوشتن آن به سختی بیاندازد

پاسخ احمد الحسن به چنین مدعیانی مطلب زیر است:...

من نمی دانم اینها از کجا فهمیده اند که وصیت نامه صرفاً تکرار یا تأکیدی بر واقعه ی غدیر یا دیگر رویدادها و سخنان پیشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانند حدیث ثقلین به صورت اجمالی بوده است، با این که آن حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رسولی از جانب خدا بود و وحی به طور مداوم به حضرتش می رسید و رسالت او برای هدایت مردم نیز تا آخرین لحظه از حیاتش استمرار داشته است آیا به عنوان مثال خداوند آنها را خبر داده که یک روز یا یک ماه یا دو ماه قبل از احتضار محمد صلی الله علیه و آله و سلم چیز جدید و تفصیل جدیدی مربوط به یکی از ثقلین یعنی اوصیای پس از او و نام ها و صفات برخی از آنها که متضمن عدم آگاهی امت تا روز قیامت است به او وحی نموده است

در محضر عبد صالح احمد بصري ج ۲ ص ۴۴...

در پی همین ادعاهای خلاف روایات و سخنان ائمه ، احمد مدعی می شود که اساسا تلاش های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سخنان ایشان در مورد امامت ائمه اثني عشر در ایام و مکان های مختلف و از جمله غدیر موجب نجات امت از گمراهی نبوده و ادعای اکمال دین در غدیر صحیح نیست و آنچه که باعث اکمال دین می شود اعلام امامت وی و مهدیین می باشد، چنانچه وی در کتاب وصیت مقدس خویش چنین می نویسد:

دوباره تأکید می کنم و می گویم: سخن رسول الله و در روز رزیه (مصیبت) همان طور که ابن عباس این روز را به این نام، نامیده است: «نوشتاری بیاورید تا برایتان نوشته ای بنویسم که بعد از آن هرگز گمراه نشوید»، به این معنی است که: آنچه از رسالتی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آورده است، مطالب قرآن و آنچه در مورد علی علیه السلام بارها، وصیت نموده است، حتی آنچه در مورد حسن و حسین است که با حدیث کسا و غیر آن شخصیتشان را مشخص نموده است، تا روز قیامت امت را از گمراهی باز نمی دارد، بلکه شناسایی دقیق ثقلین مردم را از گمراهی باز می دارد، که به رسول الله و وحی شده است و خدا دستور داد آن را در وصیت مبارک، هنگام مرگ و پایان زندگی و رسالت مبارکش، به مردم برساند.

وصیت مقدس احمد بصري ص ۴۶

نتیجه گیری پایانی:

طبق حرف احمد بصري اکمال دين به ثمر نرسیده است مگر با معرفي مهديين در شب رحلت پیامبر صلی الله عليه و آله وسلم و این سخن احمد با روایات فراوان ائمه و شان نزول آیه اکمال در غدیر تضاد و تناقض دارد، زیرا طبق روایات آیه اکمال با معرفي ائمه اثني عشر در روز غدیر نازل شد و همه ائمه و حجت هاي الهي تا روز قیامت برای مردم معرفي شدند و بعد از آنان هیچ حجتی وجود ندارد و بعد از این اعلام فریضه اي دیگر نازل نشده است و هر کس که خلاف این مطلب را ادعا کند کافر می باشد.

پس با توجه به این امور باید بگویم:

یا احمد بصري حق و حقیقت را گفته است که اگر این ادعا را داشته باشیم، باید قبول کنیم که خداوند و پیامبر صلی الله عليه و آله و سلم و ائمه در بحث اکمال دين دروغ گفته اند و در روز غدیر دين کامل نشده است.

و یا اینکه باید قبول کنیم، احمد بصري ادعای خلاف روایات معصومین داشته و وي برای اثبات ادعای دروغ خویش به پیامبر صلی الله عليه و آله و سلم و ائمه اهانت و آنان را دروغگو می داند و هم انکار سخنان ائمه در مورد اکمال دين در غدیر و هم اهانت به آنان طبق روایات کفر می باشد، و احمد کافر است.

به نظر شما چه کسی حق و حقیقت را گفته است؟ خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه یا احمد

بصری؟ شما تابع چه کسی هستید؟

گروه پاسخ به شبهات: واحد مهدویت